

علیه سرمایه شماره 28



یا قدرت همجوش طبقاتی ضد سرمایه داری یا مرگ!

همه واقعیت ها با رساترین صدا فریاد می زنند که طبقه کارگر ایران اگر به صورت یک قدرت همجوش، سازمان یافته و شورائی در همه عرصه های زندگی اجتماعی، علیه سرمایه نشورد، میلیونها نفر از نفوس توده خود از کودک خردسال تا جوان و پیر را زیر فشار گرسنگی، فلاکت، فقر، بی داروئی، بی سرپناهی از دست خواهد داد. خیزش متحد شورائی و ضد کار مزدی اینک نه یک شرط رهائی، حتی نه شرط بهبود معاش و زندگی راحت تر که برای بخش چشمگیری از طبقه ما شرط حتمی بقا و زنده ماندن گردیده است. بحث بر سر مبرمیت، اهمیت و حیاتی بودن یک میداننداری رادیکال شورائی و سرمایه ستیز نیست، سخن از چگونگی عینیت بخشیدن و تحقق آن است.

موانع همجوشی و سازمانیابی طبقاتی کارگران، اساسا بیرونی است. طبقه کارگر یگانه طبقه اجتماعی تاریخ است که کل آحادش در شالوده معاش و هستی اجتماعی خود، نه فقط دلیلی برای تعارض منافع یا موانع همپیوندی ندارند که بند، بند زندگی آنها فریاد سرکش نیاز به داشتن استخوانبندی واحد پیکار برای جنگ شعله ور علیه موجودیت سرمایه داری است. در این شکی نیست، اما کارگران یکی از دو طبقه اساسی جامعه سرمایه داری هستند، در قعر این جامعه زندگی می کنند، استثمار شونده و فرودستند، از کار و حاصل کار و پویه تعیین سرنوشت زندگی خویش جدا هستند. همه جا، در همه وجوه زیست و کل حوزه های زندگی، زیر فشار افکار، باورها، ارزشهای اجتماعی، فرهنگ و ایدئولوژی ماهیتا باژگونه پرداز و ماوراء ارتجاعی بورژوازی می باشند. با اینکه همعصر عظیم ترین پیشرفت ها در تمامی حوزه های دانش بشری هستند اما بیش از تمامی طبقات دیگر تاریخ زیر آوار و ارونه پردازای ها، مسخ سازی ها، و تحجر آفرینی سرمایه قرار دارند. هیچ شکل تولیدی ماقبل سرمایه داری ظرفیت سرمایه برای استنثار استثمار، بی حقوقی، ستمکشی، تبعیض آفرینی و سبعبیت زائی سرشتی خود را نداشته است و بورژوازی سوار موج همین ظرفیت انحطاط زای سرمایه کل این باژگونه سازیها و تحریف پردازیها را با تمامی قدرت، در موحش ترین ابعاد بر شعور، زندگی و حتی پروسه پیکار طبقه کارگر بار کرده است.

رعیت در سیاهی زار قرون وسطا، بدون اینکه سواد خواندن و نوشتن داشته باشد، حتی زمان و مکان کار اضافی خود برای ارباب فنودال را از آنچه برای زندگی خود انجام می دید متمایز می دید و باز می شناخت. ضرب کشنده شلاق اربابان را با سلول، سلول وجودش درد می کشید و از تحمل آن عاصی می شد. برده حتی وقتی را که برای خود کار می کرد، کار برای برده دار می دید، کارگر در عصر شکوفائی طغیان آمیز دانش ها، برای شناخت آنچه سرمایه بر سرش آوار کرده است با اشکال عدیده سدهای محکم سر به آسمان سائیده مواجه است. سرمایه از زمین و آسمان به او القاء می کند که نیروی کار وی را خریده و بهای آن را به تمام و کمال پرداخته است!! قانون استثمار سبعبانه خود را قانون حیات و رفاه و امنیت کارگر جار می زند!! دولتش را دولت کل جامعه از جمله کارگر می خواند!!، کل نظم ارزش افرائی و خودافزائی خود را نظم زندگی و آسایش او تصویر می کند. هیچ طبقه ای در تاریخ این گونه زیر فشار جهل آفرینی، وارونه بافی، توهم زائی و از خود بیگانه سازی نبوده است. سرمایه این کار را فقط در هیات آشکار، زیر بیرق خاص خود، با دولت و قانون و نظم و نهادهای مدنی و فرهنگی شستشوی مغزی خود انجام نمی دهد. عین همین شعبده بازی ها و فریبکاری ها را در سنگر اپوزیسیون، حتی در خاکریز «ضدیت با سرمایه داری»!! هم انجام داده و انجام

می دهد. بورژوازی طبقه ای منتهی است، لایه ها و آحادش بر سر سهام سود، سرمایه، مالکیت و قدرت با هم اختلاف دارند، همواره بخشی حاکم و بخشی دیگر اپوزیسیون نشین هستند. کل آنچه حاکمان بر سر توده های کارگر می آرند، اپوزیسیونها هم زیر بیرق های دیگر، به شکلهای دیگر و با جار و جنجالهای متفاوت، بر سر جنبش کارگری می آورند. در اینجا هم فریاد قانون سالاری، حزب آفرینی، دموکراسی طلبی، مدنیت پرستی، حقوق بشر، عدالت جوئی، «برابری طلبی» حتی «استثمارستیزی»!! از همه سو بلند است و از همه مجاری بر سر طبقه کارگر و پویه پیکارش سرشکن می گردد. کل اینها، سدها و موانع سر راه سازمانیابی متحد شورائی و ضد سرمایه داری توده های کارگرند. هر گام تلاش برای خیزش متحد شورائی کارگران علیه سرمایه، نیازمند مبارزه ریشه ای برای برداشتن همه این سدها و عبور از تمامی این موانع است. سدها و موانعی که ذاتا بیرونی هستند اما توسط سرمایه و بورژوازی به مسائل بسیار سخت جان، مقاوم، فرساینده و کوبنده اندرونی جنبش کارگری تبدیل شده اند.

برای چالش این سدها، راهی نیست جز اینکه به همان هستی اجتماعی، به تار و پود واقعی تشکیل دهنده هستی طبقاتی، خود به کارگر بودن و فروشنده نیروی کار بودن خود باز گردیم، ریشه کل استثمار، فقر، فلاکت، گرسنگی، بیخانمانی، فرودستی، بی سرپناهی، تبعیضات وحشیانه جنسی، آلودگی های هلاکت زای زیست محیطی، بی داروئی، بی آموزشی و سیه روزی های دیگر خود را در همین جا کاویم. از همین جا، همین هستی واحد طبقاتی و اجتماعی، همین کارگر و فروشنده نیروی کار بودن عزیمت کنیم، انجام این کار یا برداشتن نخستین گام در این راه معنای زمینی، طبقاتی و جنبشی معینی دارد. اولین سدی که باید بشکنیم، سد تعلق به این کارخانه و آن کارخانه، این یا آن مرکز کار، سد کارگر صنعتی، کشاورزی، ساختمانی، فروشگاه، حمل و نقل، بنادر، معلم، مترجم، پرستار، روزنامه نگار، شاعلی، بیکار، محصل، بدون تحصیل بودن، سد صنف بازی، تعلقات حرفه ای، شغلی و نوع اینها است. مادام که هر بخش ما خود را در یکی از این صندوق ها محصور کرده است، کل برد قدرت ما نیز در چهاردیواری فرساینده این صندوق ها زندانی است. باید این جعبه های پوشالی ساخته و پرداخته سرمایه و طبقه سرمایه دار را در هم خرد کنیم، از این صندوق ها بیرون آیم تا صدای همدیگر را بشنویم، وحدت بنیادی و ریشه ای خود را باز بینیم، اصل خود را دریابیم، وجود طبقاتی و قدرت تاریخساز طبقه خویش را لمس، رؤیت و تعمق کنیم، چگونگی اعمال و به کارگیری این قدرت را شورائی و متحد، تعقل و تدبیر نمائیم. ما مشتاق جوشکار، فرزکار، آهنگر، فلزکار، صافکار، نجار، بنا، عمله، راننده، معلم، نظافتچی، دانشجو، دستفروش، نانوا، خیاط، نخریس، بافنده، پرستار و نوع اینها نیستیم، اینها تعینات، نقش ها و پوششهایی است که سرمایه، تولید سرمایه داری و پویه ارزش افزائی سرمایه بر وجود ما بافته است. اساز و کارهای سرمایه برای ادغام و انحلال وجود انسانی ما در چرخه خودافزائی خود است. ما کارگر، طبقه کارگر، خالق کل سرمایه ها، ثروت ها، خالق منشاء و بنیاد همه قدرت ها هستیم، یک طبقه ایم و به اعتبار کارگر بودن و هستی اجتماعی خود یک تن واحد می باشیم. باید با این تن واحد دست در دست هم نهیم و یک قدرت همجوش، یگانه، شورائی، متحد و سازمان یافته ضد کار مزدی گردیم. دومین سدی که باید خرد کنیم و از سر راه برداریم. سد سهمگین تعلقات پوچ و فاجعه آمیز سکتی، سندیکائی، حزبی، مسلکی، عقیدتی است. کل اینها نیز صندوق ها و زندانهای آفریده سرمایه برای تکه، پاره کردن قدرت واحد طبقاتی ضد سرمایه داری ما هستند. جنبش ما از آغاز تا پایان در چند جمله قابل تلخیص است:

ما می خواهیم بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود مسلط گردیم. می خواهیم متحد، شورائی، بدون هیچ دولت یا قدرت بالای سر، با دخالتگری نافذ، آگاه و کاملا برابر همه آحاد، کل حاصل کار و تولیدمان را صرف متعالی ترین شکل معیشت، رفاه، سلامتی، بهداشت، درمان، آموزش، مسکن، تفریح، آسایش، رشد و پرورش کودکان، نگهداری سالمندان، محیط زیست پالوده از آلودگی و بیماری، تعالی بدون مرز جسمی و فکری کل آحاد خویش کنیم. می خواهیم هیچ ذره از

حاصل تولید و کارمان سرمایه نشود، ریشه هر نوع تبعیضات جنسیتی، هر گونه کودک آزاری، هر شکل فقر و ناداری و فروماندگی را از جای برکنیم. به وجود دولت بالای سر پایان دهیم، کار مزدی، رابطه خرید و فروش نیروی کار، طبقات و هر شکل استثمار و نابرابری را از صفحه تاریخ محو سازیم. آنچه می تواند و باید تار و پود وحدت ما گردد اینها است. واقعیتها، دردها، رنجها و نیازهای سرکش راستینی که از ژرفنای زندگی ما می جوشند، می خروشدند و جوشش، خروش و طغیانشان سیل پیکار ما را راه می اندازند. پایه های استوار وحدت، همسنگری، هم‌رزمی، هم‌افقی و همجوشی ما اینها هستند. یک نکته بسیار اساسی و حیاتی در این مورد آنست که ارتجاع بورژوازی در هر دو جبهه حاکم و اپوزیسیون تاریخا تلاش کرده اند تا پیش کشیدن این خواست ها، افق و انتظارات از سوی ما را نوعی رؤیابافی و خیال پردازی القاء کنند!!! اما این کثیف ترین دروغ، فریبکاری و شیادی در تاریخ است، مطرح کردن این دورنما و انتظار و خواست از جانب ما معنای زمینی بسیار روشن و شفافی دارد، حرف ما این نیست که رؤیاهای زیبا به هم بافیم و در دشت خیالات به سیاحت پردازیم. بحث این است که مبارزه همه جا جاری، اعتراضات همه جا ساری و کارزارهای مشتعل روز خود را به هم پیوند زنیم، قدرت متلاشی، گسسته، فروپاشیده و از هم گسیخته خویش را متحد، همساز، یکی کنیم، یک قدرت سازمان یافته شورائی سراسری شویم، اگر این کار را نکنیم قادر به تحمیل هیچ خواستی بر صاحبان سرمایه و دولتشان نخواهیم بود. کما اینکه چندین دهه است برای حصول مزدهای معوقه مبارزه می کنیم و حاصل تمامی این مبارزات فقط شکست پشت سر شکست بوده است. در هفت تپه، هفت هفته است که می جنگیم اما هیچ سرمایه داری را مجبور به قبول هیچ خواست محقر و ذلیلانه خود نکرده ایم. اساس حرف آنست که با اعتصابات متلاشی محصور در چهاردیواری مراکز کار، با کوبیدن مشت بر دیوار قفس ها و دیواره صندوق ها، با راهپیمائی چند صد نفر کارگر این یا آن شرکت به هیچ نتیجه ای نمی رسیم و هیچ سطح انتظار خویش را بر طبقه سرمایه دار و دولتش تحمیل نمی کنیم. موفقیت هر اعتصاب، تحقق نازل ترین مطالبات، مجبور کردن هر سرمایه دار به شنود اعتراضات، همه و همه در گرو این قرار گرفته است که یک قدرت سازمان یافته متحد شورائی و ضد سرمایه داری گردیم. باید کل مشغله، کار، زندگی، چاره گری، تدبیر و راه حل اندیشی همه ما این گردد. شیرازه حرف ما این است و سؤال بنیادی و سرنوشت ساز در همین جا آنست که اگر این واقعیت زمینی غیرقابل انکار را قبول کنیم، اگر بپذیریم که بدون داشتن این قدرت، بدون سازمانیابی سراسری، متحد و شورائی این قدرت، بدون اعمال این قدرت علیه سرمایه قادر به تحقق هیچ مطالبه ای نیستیم، اگر دست به کار معماری بنای این قدرت گردیم، آنگاه پیکار روز و جنبش جاری ما کدامین هویت، استراتژی، تاکتیک، راهکار، دورنما و رویکرد را احراز خواهد کرد؟ آیا در مسیر کارزار برای برپائی این قدرت سازمان یافته، متحد، شورائی و سراسری، بیرق زنده باد سرمایه داری و حراست از بردگی مزدی خواهیم افراشت؟؟؟؟!!! کدامین آدم بی شرم بدون هیچ آبرو یارای نشخوار چنین ترهاتی دارد؟؟!! معلوم است که همه جا با رساترین صداها فریاد سر خواهیم داد که خواستار تسلط کامل بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خویش هستیم، فریاد خواهیم زد که دست به کار معماری این قدرت هستیم تا هر اندازه، هر سطح و هر میزانش را با تمامی تدبیر و چاره گری بر سر سرمایه داری فرو کوبیم، با کوبیدن آن بر سر سرمایه داران و دولتشان را پیروزمندانه به عقب نشینی، به قبول خواسته های روز خود واداریم، ثانیاً این قدرت را عظیم تر، سازمان یافته تر، آگاه تر، متحدتر، شورائی تر، ضد سرمایه داری تر و ضد کار مزدی تر سازیم. یک جنبش پرشکوه استخواندار شورائی ضد بردگی مزدی پدید آریم، همان جنبشی که یگانه گورکن واقعی سرمایه داری است. همان جنبشی که بدون آن هیچ سخنی از محو سرمایه داری نخواهد بود. شیرازه و بنمایه کلام ما این است و اینک در شرایطی هستیم که دو راه بیشتر در پیش روی خود نداریم. یا آماده برپائی یک قدرت سازمان یافته،

شورائی، سراسری و ضد سرمایه داری شویم و دست به کار محو بردگی مزدی گردیم. در غیر این صورت آماده مرگ دستجمعی زیر فشار استثمار، گرسنگی، فقر، فلاکت، جنایت و هولوکاست آفرینی سرمایه باشیم.

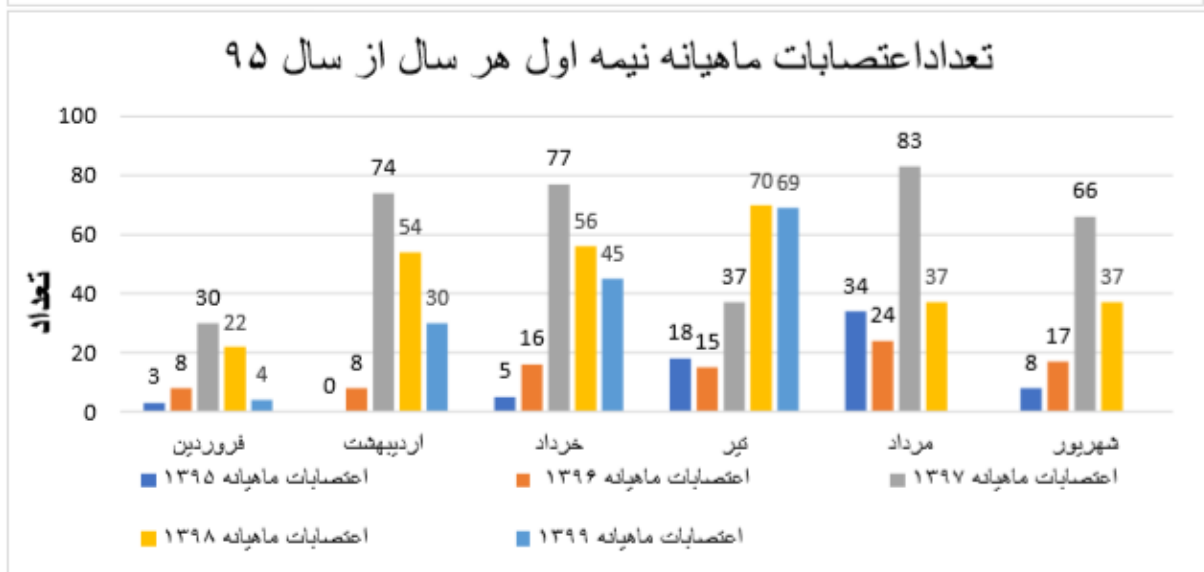
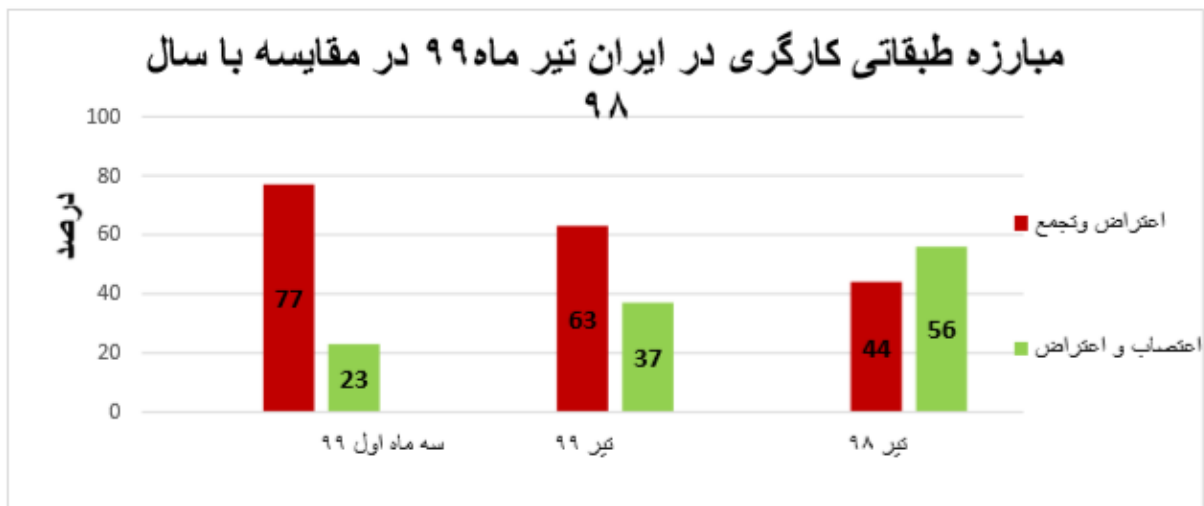
کارگران ضد سرمایه داری

ششم مردادماه 1399

جنبش کارگری ایران در تیر ماه سال 1399

روند افزایش اعتراضات و اعتصابات کارگری که از خرداد آغاز شده بود ادامه دارد و ماه تیر شاهد 187 مورد بوده ایم. این در حالی است که در همین ماه، در سال گذشته 128 و سال پیش از آن 127 حرکت کارگری داشتیم. از نمودارها پیدا است که نسبت اعتصابات کاهش یافته است. آنچه در این مدت چشمگیر است نه تعداد اعتصابات بلکه فقدان یک جنبش سازمان یافته طبقاتی یا نبود یک قدرت کارساز طبقاتی در مقابل سرمایه و طبقه حاکم است. این نه تنها چالش بزرگ کارگران ایران بلکه تنها دلیل آرامش طبقه حاکم و دولتش در طوفان بحران سرمایه داری، در عین عجز و زبونی از حل کوچکترین مسائل و مشکلات سر راه چرخه سود و انباشت سرمایه است. فشار گرسنگی، بیکاری، بی دارویی، فقر و مرگ ناشی از استثمار سرمایه داری همه کارگران را به ستوه آورده است. عصیان اعتراض و نشان دادن خشم و قهر خود علیه سرمایه، سرمایه داران و دولت آنها به وقایع جاری هر روز تبدیل شده است. می بایست دست بسوی سایر کارگران دراز کنیم زیرا رجوع به قدرت طبقاتی و شور بهره گیری از این قدرت در کارزار روزمره مهمترین و جزء لازم موفقیت هر خواست ما است. از کل اعتراضات و اعتصابات این ماه 75 حرکت کارگری متعلق به منطقه خوزستان، عسلویه پارس جنوبی و کنگان و مناطقی از استان هرمزگان اند. مناطق صنعتی، شاهرگ حیاتی رژیم اسلامی سرمایه با جمعیت میلیونی کارگری در حوزه های مختلف اعم از شهرداری ها، صنایع نفت و گاز و پتروشیمی تا نیشکر هفت تپه، فولاد، راه آهن شرکت خدماتی خط ابنیه فنی راه آهن و برق پست های فشار قوی، برق استانی که اگر سازمان یافته شورایی عمل نمایند قادر خواهند بود تمامی اقتصاد و بخش مهم و اساسی تولید سود سرمایه را متوقف کرده و حاکمیت سرمایه را به چالش بکشند. اما در عمل کارگران هفت تپه که از چهل و چند روز پیش تاکنون دست از کار کشیده اند با برپایی تجمع مقابل فرمانداری و راهپیمایی در خیابانهای شهر شوش خواستار "پرداخت بموقع دستمزد و حق بیمه و پایان بلاتکلیفی شغلی، دولتی شدن شرکت، بازگشت به کار همکاران اخراجی، تمدید دفترچه های درمانی و بازداشت و محاکمه امید سدیگی" می باشند. کارگران شرکت هپکو اراک در اعتراض به پرداخت نشدن 2 ماه دستمزد معوقه خود دست به اعتصاب زدند و مقابل مدیریت شرکت تجمع کردند. کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی اعتراض خود را بیان کردند: «داعشیان صنعت، مدیران بی کفایت» «ما کارگران خواستار عزل مدیریت فعلی هستیم»!! از جمله شعارها بود!! این وضع اسفبار جنبش ماست، جنبش کارگری ایران هر چند کمتر اسپر توهمات سندیکی است، اما انتظاراتش تا پائین ترین سطح تنزل کرده است. افکار مسموم تولید شده توسط سرمایه و رفرمیسم که ریشه کل مشکلات را در کاستی های قانون کار و بی دانشی مدیران می داند! و می کوشد تا وارد فضای خشم کارگران شود و این فضا را برای مامشات تلطیف کند، تلاش می کند تا حرف دل کارگران را به نفع سازش با سرمایه بازپردازی کند. اما آنچه در وجود کارگران موج می زند و می خروشد این است که کارخانه و کل شرکت و شرکت ها محصول مستقیم کار و تولید و استثمار آنها است. ما باید شرکت را تصرف کنیم و برنامه ریزی کار و تولید را به دست گیریم. برای این کار نیازمند قدرت هستیم. قدرتی که داریم اما متلاشی و از هم پاشیدن و بدون هیچ انسجام است. شمار

اعتراضات و اعتصابات مان این روز ها روزافزون و خیره کننده است. مبارزه می کنیم، فریاد اعتراض سر می دهیم، می کوشیم تا قدرت خود را ظاهر سازیم اما با اعتصابات و اعتراضات محصور در چهاردیواری کارخانه ها نمی توانیم یک قدرت سازمان یافته سراسری ضد سرمایه داری شویم. باید به سوی هم بشتابیم. خواست های ما واحد است، دردهای ما یکی است، اعتراض ما عین هم است. اما پراکنده و متلاشی و زبون می باشیم. مادام که چنین است قادر به تحقق هیچ خواستی نمی شویم. هر روز چندین برابر آنچه که نیاز زندگی جمعیت 60 میلیونی ما است، خورد و خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و امکانات رفاهی، وسائل خانه و دنیای کالاهای دیگر تولید می کنیم. همه چیز را در ابعاد عظیم می آفرینیم اما خود گرسنه، گورخواب، پشت بام خواب و مفلوکیم زیرا هر چه تولید می کنیم سرمایه وحوش سرمایه دار و حاکمان درنده جمهوری اسلامی می شود. ما تولید کننده هست و نیست جامعه موجودیم و برهمن مینا عظیم ترین نیروی قادر به تغییر همه چیز می باشیم. مبارزه ما باید تجلی قدرت تعیین کننده، اثرگذار، حادثه آفرین ما گردد. باید طبقه سرمایه دار و دولتش را تسلیم خواست های ما کند. برای این کار باید سراسری، شورائی و ضد سرمایه داری متشکل گردیم.



اعدام سه معترض، اعدام شورش کارگری آبان است.

علیه این حکم، سراسری بشوریم!

ماشین کشتار فاشیسم اسلامی سرمایه این روزها مثل کل این 40 سال، تمام وقت درو می کند. حمام خون بر پا می دارد و طوفان مرگ راه می اندازد. رژیم آن می کند که نیاز بقای سرمایه داری است. در همین راستا دامنه کشتار و هولوکاست آفرینی سرمایه و حاکمان اسلامی فاشیستش برخلاف آنچه خیلیها می پندارند، به جوخه های اعدام، میدانهای دار و احکام صادره بیدادگاهها محدود نمی گردد. سرمایه و حکامش همواره، از جمله همین روزها در هر ساعت صدها و هزاران کارگر و کارگرزاده را با تیغ تیز گرسنگی، فقر، بی داروئی، گورخوابی، آوارگی، کارتن خوابی و هزاران سیه روزی دیگر به ورطه مرگ می اندازند. شورش آبان خیزش پرشور، خشمگین و قهرآمیز میلیونها نفر از همین محکومان بود. توده کثیر کارگران نفرین شده ای که محکمه شرع و عرف و مدنیت و حقوق و دیکتاتوری و دموکراسی سرمایه آنها را به فقر، گرسنگی، بیماری، بی داروئی، بیخانمانی و مرگ ناشی از این فلاکت ها محکوم کرده بود. رژیم اختاپوسی اسلامی سرمایه از لحظه ظهور تا امروز همیشه و در همه حال خود را در معرض این شورش ها و طغیانها دیده است. اما فشار این خیزش و عصیان را اینک بسیار بیشتر از هر زمان دیگری بر سینه خود احساس می کند. حکم اعدام سه جوان معترض فعال در شورش کارگری آبان، **امیر حسین مرادی، سعید تمجدی و محمد رجبی**، گواه بسیار بارز دهشت و هراس حاکمان دژخیم سرمایه از قریب الوقوع بودن حتمی این شورش ها است. حکم اعدام این انسان ها، اعلام جنگ جمهوری اسلامی سرمایه داری علیه خیزش طغیان آمیز آتی توده های کارگر، علیه طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران است. مقابله با این توحش و جنایت نیز امر حتمی و فوری کارگران ایران و دنیا است. رژیم با صدور حکم اعدام این سه انسان، حکم حمام خون جنبش و شورش در حال وقوع ما را صادر کرده است. برای لغو این حکم باید سراسر جهنم سرمایه داری را میدان شورش و جنگ علیه سرمایه داری و حاکمانش ساخت. باید چرخ کار و تولید سرمایه را در سراسر این جهنم از کار انداخت. باید نظم اقتصادی و سیاسی سرمایه داری را همه جا مختل کرد. کارگران ضد سرمایه داری

درس هشت «اعدام نکنید» برای کارگران

وحوش حاکم اسلامی سرمایه، حکم جنایتکارانه اعدام سه کارگر عاصی حاضر در شورش پرشکوه کارگری آبان 98 را اعلام و آماده اجرا ساختند تا شاید از این طریق دهها میلیون کارگر گرسنه خشمگین را از طغیان باز دارند. رژیم زیر فشار وحشت از وقوع انفجار مهارناپذیر قهر کارگران و با هدف ایجاد هراس در دل استشارشوندگان عاصی کارگر از فرجام این شورش، عزم جزم کرد تا 3 کارگر مبارز (**امیر حسین مرادی، سعید تمجدی و محمد رجبی**) را تسلیم جوخه اعدام کند. فاشیسم اسلامی بورژوازی اما « باد کاشت و طوفان درو نمود» به جای آنکه هراس آفریند، مقهور اعتراض و هراس آفرینی انسانی ناراضیان خشمگین شد. «شد غلامی به جوی که آب آرد - آب جوی آمد و غلام بیرد» طوفان اعتراض اینترنتی انسانهای مخالف اعدام پایه های اقتدارش را لرزاند و هیچ چاره ای ندید سوی آنکه عجلتاً، ولو عوامفریبانه و برای چند صباحی دست به عقب نشینی زند. اینکه آیا این سه کارگر مبارز عاصی را بعداً روانه میدان تیر کند یا نکند؟ پرسشی است که پاسخ آن را قطعا، تنها و تنها، در ابعاد اعتراضات و مقاومت های آتی عصیان

علیه اعدام می توان جستجو نمود. اما آنچه رخ داده است تا همین جا درس عبرت بسیار عظیمی برای کل توده های کارگر ایران است. عصاره درس این است. وقتی که با طوفان اینترنتی چند میلیون معترض می توان درنده ترین رژیم اختاپوسی سرمایه داری را به عقب نشینی واداشت. چرا ما 50 میلیون نفوس طبقه کارگر ایران نباید صداهای خفه، مرده، بدون هیچ پژواک و فاقد هر نوع تأثیر خویش را از زیر آوار چهاردیواری کارخانه ها و مراکز کار خارج سازیم، چرا نباید همصدا شویم. چرا نمی توانیم یک قدرت سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری گردیم. ما که همیشه و همه جا و در سراسر جهنم سرمایه داری، در نقطه نقطه قلمرو حاکمیت فاشیسم درنده اسلامی سرمایه در حال اعتصاب و اعتراض هستیم. چرا نمی توانیم این اعتصابات را همصدا، همسنگر، همگن و همجوش کنیم؟! چرا نمی توانیم یک قدرت متحد شورائی در حال طغیان علیه اساس موجودیت سرمایه داری شویم. چرا باید شب و روز به ترهات کثیف و بی شرمانه مردارخواران کثیف سوداگر قدرت و شیارگر سود، به اپوزیسیون ها، احزاب، سندیکاها، حزب بانان و سندیکاسازانی گوش دهیم که گویا «ظهور رهبری بالای سر یگانه راه رهائی بشریت است»!!! وقتی که فقط با طوفان اینترنتی 4 میلیون آدم می توان هراس آفرینی هارترین رژیم فاشیستی سرمایه داری را به هراس زدگی و احساس وحشت تبدیل کرد چرا ما خالقان واقعی کل سرمایه ها، خالقان واقعی منشا کل قدرت ها باید تا این سطح زیون، ذلیل، گرسنه، مفلوک، فرومانده، گورخواب، نفرین شده و فاقد موجودیت باشیم. آیا این وضع ننگ آور نیست. قطعاً هست. ما که می توانیم با همصدائی، همسنگری و همزیمی متحد شورائی خویش کل چرخ تولید سرمایه و سود را در یک چشم به هم زدن از ساحل خلیج تا فراسوی سرخس و تا بازرگان از چرخش باز داریم، ما که می توانیم شیرازه نظم اقتصادی، سیاسی، مدنی و همه چیز این کهنه نظام ضد بشری را در هم کوبیم چرا باید سالیان متمادی کل اعتراض و مبارزه خود را در خواست پرداخت مزدهای معوقه قفل کنیم و در حصول همین خواست نیز همه جا زیوانه شکست خوریم.

کارگران ضد سرمایه داری

یورش عوامل قهر فاشیسم اسلامی سرمایه و دستگیری کارگران هفت تپه

کارگران هفت تپه امروز سی امین روز اعتصاب و پیکار از دور جدید مبارزات خویش را پشت سر نهادند. آنان 30 روز تمام است که در اعتراض به مصادره چندین ماهه مزدهای خویش توسط وحوش سرمایه دار و دولت فاشیستی اسلامی سرمایه داری دست از کار کشیده و چرخ تولید را از چرخش باز داشته اند. امنیت اشتغال، تضمین معیشت افزایش مزدها، پرداخت بیمه درمان، بهبود شرایط کار و زندگی از جمله خواسته های عاجل و فوری دیگر توده های معترض کارگر هفت تپه می باشد. کارگران در طول این مدت به کرات راهپیمائیهای عظیم اعتراضی سازمان داده اند. تظاهرات وسیع و پرشکوه در محیط کار، در خیابان های شوش و سایر جاها بر پای داشته اند. نواحی مختلف شهر شوش را میدان نمایش پیکار علیه صاحبان سرمایه و رژیم هار سرمایه داری کرده اند. آنان بارها خشماگین و مصمم اعلام کرده اند که تا حصول خواست ها به مبارزه ادامه خواهند داد. اعتراض و میدان داری توده کارگر امروز آماج شیخون عوامل قهر و سرکوب فاشیسم اسلامی بورژوازی قرار گرفت. چکمه پوشان مزدور مسلح سرمایه به صف کارگران یورش بردند، آنها را ضرب و شتم کردند و حداقل 4 کارگر را دستگیر و روانه شکنجه گاه ساختند. اسامی دستگیرشدگان به شرح زیر است.

1 - محمد خنیفر

2- یوسف بهمنی

3 - ابراهیم عباسی

4 - مسلم چشمه خاور

ما از همه همزنجیران کارگر در سراسر ایران می خواهیم که یکصدا، متحد و همسنگر به حمایت از مبارزات کارگران هفت تپه برخیزند. علیه دستگیری و شکنجه همزمان اعتراض کنند. همزمان یک بار دیگر تصریح و تأکید می کنیم که اعتراضات محصور در چهاردیواری کارخانه ها و کارگاهها به رغم تمامی عزم جزم، اراده آهنین، فداکاری ها و مقاومت ها علاج کار نیست. برای تحمیل خواستهای خود بر سرمایه داران، دولت سرمایه و نظام بردگی مزدی باید یک قدرت متحد طبقاتی، سراسری و ضد سرمایه داری شویم. باید کل ما میلیون ها کارگر دست در دست هم یک جنبش نیرومند سراسری شورائی سرمایه ستیز برپای داریم. قدرت اختاپوسی ضد بشری سرمایه داری را فقط با قدرت سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری طبقه خویش می توانیم به عقب رانیم، در هم کوبیم و نابود سازیم. ما این قدرت را داریم. آن را سازمان دهیم و علیه سرمایه وارد میدان کنیم.

کارگران ضد سرمایه داری

آیا می دانید که:

1 - بیش از دو دهه است که دولت های سرمایه داری سوئد، ایسلند و برخی ممالک دیگر فروشنده یاخته های بنیادی (Stem cell) به شرکت های بزرگ بیورنتیک و دارویی شده اند. همه اینها روند کالا شدن تک تک اعضای بدن انسان را به نمایش می گذارند. از وقتی که بیش از 30 هزار پروتئین بدن انسان به لحاظ مولکولی مشخص شدند زمان زیادی نگذشته است. شرکت های غول آسای سرمایه داری جنگی عظیم و رقابتی گسترده با هدف مالکیت این اکتشافات را آغاز کردند. دستگاه پیچیده ای در سلول های ما وجود دارد که نقش مغز در سیستم تولید پروتئین ها را ایفاء می کند. این دستگاه همان DNA است. بخشی از DNA بنام ژن ها دارای کد تمامی پروتئین ها هستند. می توان ژن ها را بین موجودات مختلف انتقال داد ولی هنوز انسان از تأثیرات جانبی این انتقال اطلاع کمی دارد. به طور مثال می دانیم که با انتقال ژن باکتری مقاوم در مقابل حشرات، به ذرت می توان این محصول را در مقابل حشرات مقاوم ساخت. هدف از GMO (Genetiskt modifierad organism) عبارت از افزایش بار غذایی محصولات خام زراعی و دامی، ایجاد مقاومت در مقابل باکتری ها و قارچها و آفات و البته همه اینها با هدف کاهش هزینه های تولید، ایجاد بازارهای جدید رقابت، کاهش نیاز به نیروی کار در هر هکتار از طریق تغییرات تکنیکی در کاشت و سرانجام افزایش سودهاست. اولین محصول GMO گوجه فرنگی بود که در سال 1994 به بازار آمد و چند سال بعد چغندر قند و اکنون بخش اعظم تولید شکر امریکا را در کنترل خود دارد. محصولات سویا، ذرت، کلرا و بسیاری دیگر به این حوزه تولید می پیوندند. در بازار مواد غذایی امریکا اکنون ده ها غذای آماده کودک، صدها کیک و شیرینی، 45 نوع نان، متجاوز از صد نوع صبحانه (کرن فلکس) و بیش از 120 نوع غذای آماده یخ زده محتوی GMO (GM Food) به فروش میرسد. لیست این غذاها و اشکال نیمه آماده آنها، آن قدر طولانی است که اخیراً سایت هایی برای دادن اطلاعات در مورد غذاهای غیر GM Food ایجاد شده است!!

یکی از دلایل رشد سریع بازار این کالاها تبلیغات وسیع صاحبان آنهاست، سازمانهایی در جهان به وجود آمده اند که بسیار فعال با بودجه هنگفت از طرف غولهای این حوزه نظیر Monsanto, Syngenta, Bayer Crop Science و وظیفه تبلیغات را بر دوش دارند. (International Service for the Aquisition of Agri-biotech) ISAAA

Applications) از جمله این مؤسسات است. در شروع این دوره یعنی 1994 فقط شش کشور با میزان تقریبی 1% کشاورزی جهان به حوزه تولیدات GMO تعلق داشتند، این رقم در 2008 به 25 کشور و حدود 24% کل کشاورزی دنیا رسید. گفتنی است که روی آوردن سرمایه داران به GMO به شتاب سیر تمرکز سرمایه، شدت رقابت ها، از دور خارج شدن مالکان کوچک مزارع و بلعیده شدن زمینهای آنان توسط تراست های بزرگ نیز عمیقاً دامن زده است. برای انتقال ژن یک موجود به دیگری از روش کپی کردن که نسبتاً ارزان است برای GMO استفاده می شود. در این تکنیک وقتی که سلول تقسیم می شود هر قسمت ژن (fragment) می تواند پروتئین مخصوص تولید کند و در نتیجه سیستم غیر قابل کنترلی، سوای فراگمنت مورد نظر به وجود می آید. از این گذشته ژن منتقل شده می تواند در طولانی مدت نتایج مختلفی که قبلاً پیش بینی نشده است به بار آرد، زیرا تولید در مقیاس کوچک و کنترل شده در آزمایشگاه با ژنی بدون رقیب (محیط کاملاً استریل آزمایشگاه) مسلماً با تولید در مراکز بزرگ و مملو از ژن های مختلف و گاه مشابه فرق بسیار دارد.

کاش کارگران حرف وزیر بهداشت را می شکافتند!!

عصاره سخن وزیر بهداشت آنست که رژیم مرگ 4 میلیون خانوار کارگری را زیر فشار گرسنگی، فقر، بی خانمانی و بی داروئی محتوم می بیند. دروغ بزرگ او تا همین جا این است که 8 میلیون را 4 میلیون گزارش می کند. شمار خانواده های در آستانه مرگ ناشی از گرسنگی مولود سرمایه داری نه 4 میلیون که 8 میلیون است. رقمی که اگر آن را در متوسط جمعیت روز خانوار ضرب کنیم به سی و چند میلیون می رسیم. همان رقمی که ما هر روز بر آن تأکید کرده ایم. شاه بیت قصیده وزیر دلیلی است که برای بازگشائی بدون هیچ مرز و محدوده مراکز کار و گسیل سیل وار کارگران گرسنه به قتلگاههای کرونا می آرد. او عریان، وقیح و شنیع تصریح می کند که این سی و چند میلیون کارگر و کارگرزاده گرسنه آماده انفجار بوده اند. جمهوری اسلامی سایه شورش این سی و چند میلیون نفوس توده کارگر را بر سر خود سنگین دیده و راه نجات را در اعزام آنها به قتلگاههای کرونا کرده است. آنچه وزیر بهداشت می گوید سخن صریح کل جمهوری اسلامی است. تصمیم دولت روحانی به دادن وامهای یک میلیونی به چند میلیون خانواده کارگری نیز از همین جا ناشی می گردد. کل اینها چاره اندیشی فاشیسم بشرستیز بورژوازی برای بستن سد بر سر راه طغیان کارگران گرسنه و بی خانمان است.

کارگران! همه وحوش سرمایه از وخامت اوضاع اقتصادی می گویند و ریشه فقر و فلاکت و گرسنگی ما را به اینجا آدرس می دهند!!! سرمایه داری قطعاً در گرداب کوبنده بحران ذاتی خود است. اما ارجاع فلاکت، بی خانمانی، گرسنگی و بی داروئی ما به وخامت اوضاع اقتصادی، بی شرمانه ترین دروغ است. جامعه از تراکم سرمایه دم کرده است. فقط رقم سرمایه سرگردان روز بیش از 2500 تریلیون تومان است. سرمایه متراکم در حساب ولی فقیه 200 میلیارد دلار امریکا است. شمارخانه های خالی سرمایه داران 2500000 است. ما کارگران، هر روز چندین برابر آنچه که نیاز زندگی 85 میلیون جمعیت کشور است، خورد و خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و امکانات رفاهی، وسائل خانه و دنیای کالاهای دیگر تولید می کنیم. همه چیز در ابعاد عظیم می آفرینیم اما خود گرسنه، گورخواب و مفلوکیم زیرا هر چه تولید می کنیم سرمایه وحوش سرمایه دار و حاکمان درنده جمهوری اسلامی می شود. ما تولید کننده هست و نیست جامعه موجودیم و بر همین مبنا عظیم ترین نیروی قادر به تغییر همه چیز می باشیم. به عصاره حرف حکام سرمایه فکر

کنید. آنها به رغم زرادخانه های گول پیکر قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی، شستشوی مغزی، از وحشت طغیان قدرت ما می لرزند. ما را روانه قتلگاه کرونا می کنند تا از خطر طغیان طبقه ما در امان مانند.

همزنجیران! نسل بعد از نسل درگمراهه ها چرخ خورده ایم. به قانون و دولت و حقوق سرمایه آویخته ایم. پیاده نظام مسخره این حزب یا آن سندیکای شده ایم. پشت سر این یا آن مافیای اپوزیسیون نما صف بسته ایم. کل اینها فقط قدرت را ما فرسوده و به وضعیت حاضر انداخته است. بیائید بر این گمراهه رفتن ها نقطه پایان گذاریم. قدرت عظیم تاریخساز خود را شورائی، سراسری و ضد کار مزدی سازمان دهیم. یک جنبش عظیم سازمانیافته شورائی و ضد سرمایه داری برپا داریم. با این جنبش به جنگ سرمایه و فاشیسم اسلامی سرمایه رویم. در این جنگ بر سینه کل احزاب، اتحادیه ها و مافیاهای راست یا چپ نما که می خواهند سوار موج پیکار و قدرت ما شوند دست رد کویم. بیائید کل کارخانه ها و مراکز تولید، کل خانه های خالی را با قدرت جنبش سازمان یافته شورائی خود از حلقوم وحوش بورژوازی خارج سازیم. بیائید این راه را شروع کنیم. هیچ و هزاران بار هیچ راه دیگری وجود ندارد.

کارگران ضد سرمایه داری

رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان (متن تکمیلی 14)

طوفان ویرانگر بحران سرمایه داری، اپیدمی مرگ اور کووید 19 مولود نکبت، ادبار و برهوت آفرینی سرمایه، عدم دسترسی کارگران به حداقل امکانات درمانی و حفاظتی برای مقابله با هجوم این بیماری مهلک، ابتلای چندین میلیونی و مرگ و میر چند صد هزار نفری همراه با دنیای فقر، فلاکت، آوارگی، بی بهداشتی و بدبختی حاصل استیلای سرمایه داری، همه و همه به صورت کوه آسا بر زندگی کل توده های کارگر دنیا آوار است. در این میان وضعیت توده کارگر ایران از غالب مناطق جهان رعب انگیزتر، فاجعه بارتر و خرد کننده تر است. اینجا هر نفس کشیدن اعتراضی کارگران هم توسط فاشیسم اسلامی آماج حمام خون است، هیچ نوعی امکاناتی در اختیار کارگران برای حفظ جان خود از خطر بیماری موجود نیست. کل کارگران از خردسال تا لب گور مجبورند برای امرار معاش روزانه، برای تأمین هزینه درمان و دارو، برای سیر تا پیاز «زندگی» به کار در هر شرایطی حتی در میان طوفان تاخت و تاز کووید 19 تن به کار شاق دهند و خطر مرگ را به جان خرند. در چنین وضعی کارگران بخش درمان از همان آغاز با اراده ای استوار، عزمی راسخ، عظیم ترین فداکاری ها، تحقیر مرگ و تکریم شرف انسانی به پا خاستند تا در میان آتش و خون آفریده سبعیت ها و جنایت آفرینی های سرمایه داری و فاشیسم اسلامی سرمایه، از جان همزنجیران خویش دفاع کنند. آن ها در این گذر دست به پرشکوه ترین ایثارگری ها زدند، از جان خویش گذشتند تا پاسدار جان انسان ها باشند. کشته ها دادند تا دیگران را از مرگ برهانند. شمار واقعی جان باختگان این بخش طبقه کارگر مسلما از هزار افزون است. آنچه ما در اینجا در چهاردهمین متن تکمیلی آمار کشتگان می آوریم صرفا در برگیرنده نامهایی است که توانسته ایم از تاریکی زار ملامال از سانسور، خفقان، کنترل، بریدن زبان ها، شکستن قلم ها و دوختن دهن ها بیرون آریم.

1	ماهرخ جعفری پرستار بیمارستان فیاض	2	نرگس خانعلی زاده پرستار بیمارستان لاهیجان
3	غلامرضا وثوقی کیا پرستار بیمارستان رشت	4	علی شیخ مرادی پرستار بیمارستان رشت
5	رامین عزیزی فر پرستار مسیح دانشوری	6	علی محمود خان شیرازی، پزشک خراسان جنوبی
7	جباری کمک پرستار	8	رنجبران کمک پرستار

9	حمید لطفی ارتوپد رشت	10	سیامک دیشلی پزشک اطفال
11	رضا کوچکی نیا پزشک رشت	12	محمدعلی ربیعی پزشک شفت گیلان
13	مصطفی صمدی پزشک بابل	14	اردشیر شیران پزشک اصفهان
15	فرید نیروئی پزشک بابل	16	محمدعلی بخشعلی زاده پزشک رشت
17	کوروش گودرزی پور پزشک	18	حبیب الله پیروی پزشک آمل
19	وحید منصف کسمانی دانشیار دانشگاه علوم پزشکی گیلان	20	مهدی فتح آبادی پزشک اورژانس بیمارستان چمران تهران
21	سورنا میرمیرانی پزشک	22	آقای زهتاب کارگر درمان بیمارستان گلزار
23	سید آل حسینی کارگر درمان بیمارستان گلزار	24	محمد محمدی پزشک رشت
27	وحید ایروانی روانپزشک	28	علی شجاعی دستیار سال آخر ENT دانشگاه کرمان
29	ایمان معین زاده پرستار بیمارستان کوثر آستانه اشرفیه	30	سهیل کیانفر پزشک استان گیلان
31	محسن خادم، 30 ساله، پرستار بیمارستان میلاد کاشان	32	انوشه بیکیان، مامای بیمارستان الزهراء رشت
33	مجید اردشیری پرسنل دانشگاه علوم پزشکی بابل	34	منوچهر ساداتی دانشگاه علوم پزشکی بابل
35	مرضیه حسینی نژاد دانشگاه علوم پزشکی بابل	36	جواد جلالی نیا دانشگاه علوم پزشکی بابل
37	حانیه عدالتی کارمند بیمارستان شفاء تاکستان	38	تهمینه ادیبی پرستار اورژانس بیمارستان انزلی
39	مجید تاجیک پرستار بیمارستان کیان تهران	40	سه پرستار آسایشگاه کهریزک *
41	پرستار آسایشگاه کهریزک *	42	پرستار آسایشگاه کهریزک *
43	ایرج ابراهیم نژاد پزشک خانواده بابل	44	فیروزه خوشگفتار کارگر بیمارستان فومن
45	یوسف موسوی پزشک شهرستان گالیکش	46	اسماعیل بخشی پور کارگر بیمارستان رشت
47	عباس توسن متخصص گوش، حلق و بینی تهران	48	حسن ارباب کارگر خدمات نظافتی بیمارستان کامیاب مشهد
49	مهدی وربجی پزشک ساری	50	شیرین روحانی راد پزشک پاکدشت
51	غلامعلی معنویان پزشک عمومی میاندرد	52	صمد بابازاده، پزشک بابل
53	تقی اهری فرشچی، پزشک اطفال تبریز	54	طاهره اسماعیلی، پرستار بیمارستان بهشتی
55	احمد سلیمانی دوست کارگر واحد نقلیه بیمارستان کامکار قم	56	مظفر ربیعی پزشک آمل
57	چهار تن کارکنان دانشگاه علوم پزشکی آمل *	58	کارکنان دانشگاه علوم پزشکی آمل *
59	کارکنان دانشگاه علوم پزشکی آمل *	60	کارکنان دانشگاه علوم پزشکی آمل *
61	عبدالشکور هژیر امیری، داروساز رشت	62	«رانولا راگوتام» متخصص داخلی هندوستانی، ساوه
63	حسین جوهری، متخصص گوش و حلق و بینی قم	64	ایوب نادری و همسرش پزشک بیمارستان جوانرود
65	مهدی قنبری و همسرش پزشک بیمارستان جوانرود	66	حمزه متخصص تغذیه بیمارستان جوانرود

67	سعادت شکیبایی پرستار بیمارستان جلیل یاسوج	68	حمیدرضا مهبینی پزشک درمانگاه تأمین اجتماعی پاکدشت
69	نیلوفر اسماعیل بیگی پزشک عمومی قزوین	70	محمود شمس الدینی، پرستار یزد
71	عبداله عباسی پزشک بیماریهای عفونی گرگان	72	ارسطو رستم‌زاده، پزشک پاکدشت
73	محمدقادر نوروزمهر، کارگر بیمارستان حشمت رشت	74	حمیدرضا داوودی، داروساز بابل
75	مرتضی وجدان پزشک مشهد	76	اسماعیل یزدی جراح تهران
77	سعید عزیزی چشم پزشک زابل	78	موسی فتح‌آبادی، طب اورژانس دانشگاه تهران
79	حمید رضا زینعلی داروساز تهران	80	امیر رضاهنرکار فیزیوتراپیست تهران
81	ذبیح الله کاویانی کارگر مرکز خدمات جامع بروجن	82	قربانعلی حسین زاده پرستار کاشان
83	رضا پورساکی پرستار آبادان	84	رضا روستا کارگر بیمارستان اختر تهران
85	رقیه رونقی کمک پرستار صومعه سرا	86	سیده عظمت موسوی ماما ساری
87	شهرزاد کریمیان پرستار بیمارستان فیاض تهران	88	بانو خوشگفتار کارگر بیمارستان فومن
89	فریبا ایزد پناهی پرستار شیراز	90	سعید مومنی علوم آزمایشگاهی رودسر
91	مولود جعفری پرستار بیمارستان فیاض تهران	92	محمد کاظم گلرسان علوم آزمایشگاهی یزد
93	نادر حسین پور کارگر بیمارستان پیروز لاهیجان	94	کامران بیات پرستار اطاق عمل بیمارستان پیروز آبادی
95	میسور بعلبکی، متخصص بیهوشی لاله تهران	96	وحید یحییوی پزشک خون وانکولوژی بجنورد
97	مجید فرهاد پزشک دانشگاه علوم پزشکی کاشان	98	فریبا فراهی، پزشک طب اورژانس
99	بهزاد معظمی کادر درمان تهران	100	علی‌محمود خان‌شیرازی پزشک فاینات خراسان جنوبی
101	شهرزاد طباطبایی پزشک ارومیه	102	امیر مجد سجادی دندانپزشک تهران
103	محمد یاراحمدی پرستار بیمارستان خمینی سفز	104	شهربانو جعفری پرستار بهداشت درمانی روستایی زیار
105	رضا فتحعلی، تکنسین سازمان اورژانس تهران	106	آریا سیگارودی مرکز بهداشت ساری
107	سیدحسین احمدمیری پزشک بیمارستان امام علی کرج	108	اسدالله شیخ جابری پرسنل بیمارستان زنجان
109	علی اکبر ناظری پور پرسنل بیمارستان سمنان	110	رشید شیخ آقایی کمک پرستار بوکان
111	مهدی افشاری شبکه بهداشت ملایر	112	علی اصغر رهبان پرسنل بیمارستان بابل
113	اشرف ململی پرسنل بیمارستان تهران	114	حسن مکرمی دانشگاه علوم پزشکی ساری
115	رامین عزیزی فر پرستار تهران	116	نرجس خانعلی زاده پرستار لاهیجان
117	کبری حسین زاده اسکی پرستار بابل	118	عباس میر هاشمی متخصص بیهوشی آذر شهر
119	علی اکبر ناظری پور پرسنل بیمارستان سمنان	120	رضا برادران روحانی اپتومتریست مشهد
121	احمد سلیم آبادی پرسنل بیمارستان کامکار قم	122	جمشید محدثی شبکه بهداشت رامسر

123	داریوش پیشرو پرسنل علوم پزشکی گیلان	124	مهدی امین الرعایاب پزشک بیمارستان سینا
125	مهرداد نوروزی پزشک عمومی کرمانشاه	126	نادرچاوشی نژاد دندانپزشک سنندج
127	غلامرضا فخری، متخصص بیهوشی تهران	128	نادر برجسته پرسنل بیمارستان تهران
129	غلامحسن قربانی کمک پرستار شفت	130	محمدعلی پور هاشم داروساز تهران
131	حمیدرضا حجاران طوسی پزشک عمومی تهران	132	مجتبی عابدیان پزشک عمومی نکا
133	کیوان یغمائی پزشک پوست تهران	134	سعید حقیقی پزشک طب اورژانس اصفهان
135	سید علی مدنی دندانپزشک تهران	136	سارا عزیزی پرستار تهران
137	داوود غفاری پرسنل بیمارستان ضیائیان تهران	138	قربانعلی حسینزاده پرستار کاشان
139	عین‌الهی چشم پزشک تهران	140	یونس نوروزی پزشک بیمارستان گل‌دیس شاهین‌شهر
141	ملاجعفری روانپزشک گلستان	142	محمود ایروانی متخصص بیهوشی تهران
143	۳ متخصص بیهوشی مسیح دانشوری *	144	متخصص بیهوشی مسیح دانشوری *
145	متخصص بیهوشی مسیح دانشوری *	146	رامین شیخ ابراهیمی پزشک بیمارستان مسیح دانشوری
147	احسان وفاخواه، متخصص بیهوشی شهر مشهد	148	پزشک متخصص کودکان بیمارستان خمینی کرج
149	محمود ابراهیمی پزشک بیمارستان مسیح دانشوری	150	سه دانشجوی دانشگاه تهران، دو پسر و یک دختر *
151	دانشجوی دانشگاه تهران *	152	دانشجوی دانشگاه تهران *
153	غلامرضا حمصی کادر درمان قم	154	عوض ظفرمند کادر درمان
155	یوسف شفقتی پزشک	156	احمد ابراهیمی بشلی کمک بهیار بیمارستان ساری
157	زهرا (بهناز) مستعدی پرستار بیمارستان لبافی نژاد	158	سه پزشک در مشهد *
159	پزشک در مشهد *	160	پزشک در مشهد *
161	عباس نوروزی کادر درمان تهران	162	حمید عقیلی پزشک عمومی مشهد
163	محبوبه امینی علوم آزمایشگاهی فریدونکنار	164	آرزو باهو پرستار بیمارستان کودکان بندرعباس
165	محمد طیبی پزشک خانواده فریدونکنار	166	فیروزه شیدایی علوم آزمایشگاهی مرند
167	عباس انصاری تکنسین اورژانس سراب	168	حسین جودکی کادر درمان درمانگاه رازی دزفول
169	أمل صیاحی (امل سیاحی) پرستار ۳۰ ساله آبادان	170	عبدالخضر زرین آبادی متخصص بیهوشی تهران
171	ارسلان سلطانی راننده اورژانس شهرستان بافت	172	محمدحسین قندچی پزشک داخلی تهران
173	شیرین صفوی پرستار بیمارستان بقیه الله	174	احمد داستانی دندانپزشک تهران
175	تقی زارع کادر درمان بیمارستان بقیه الله	176	صفورا نوایی پزشک بیمارهای کودکان
177	میلادحسینی پزشک بیمارستان امام خمینی کرمانشاه	178	نقی ستایش پرستار بیمارستان امام سجاد یاسوج
179	مظاهر شمس 24 ساله دانشجوی علوم پزشکی کاشان	180	زهرا ابوالفتحی پرستار بیمارستان هاشمی نژاد

181	محمود غنی زاده پزشک بیمارستان مدنی کرج	182	فهیمة جمالزهی رزیدنت سال سه پاتولوژی بندرعباس
183	محمد عبدلی تازه فارغ تحصیل دانشگاه علوم پزشکی همدان	184	فرخ نسا فتحی پور پرستار بیمارستان مدنی تبریز
185	عادل ریاحی مقدم پرستار بیمارستان گنجویان دزفول	186	خلیل احمدی کادر درمان بیمارستان بعثت سنندج
187	مهدی رجبی پرستار 34 ساله بیمارستان امام خمینی	188	مصطفی نوروزی پرسنل رادیولوژی بیمارستان تکاب
189	علیرضا شجاعی کمک بهیار بیمارستان قائم مشهد	190	محمود ایزدیناه پزشک اطفال وکودکان بیمارستان دزفول
191	فاطمه فریدیان پرستار بیمارستان روزبه تهران	192	ایمان قوجق کادر اورژانس گنبد
193	علی حقیقی پرستار بیمارستان نفت تهران	194	عصمت سر بیشه ای پرستار بیمارستان زاهدان
195	رضا واشنگ کادر درمان بیمارستان نفت بندر ماهشهر	196	مهرداد معادی فر متخصص بیهوشی بیمارستان یاسوج
197	محمد خورند کادر درمان بیمارستان مریوان	198	عثمان یوسفی بهورز خانه بهداشت باغلوچه سقز
199	ایرج بختیاری کادر درمان بیمارستان شاهین دژ	200	فرید یوسفی پزشک گوش و حلق و بینی تهران
201	سعادت سجادیان 37 ساله رادیولوژی بیمارستان بندر عباس	202	وحید علیزاده متخصص بیهوشی بیمارستان ارومیه
203	علی صناعی کادر درمان بیمارستان شهر کرد	204	حسین طیبانی کادر آزمایشگاهی بیمارستان سعدی اصفهان
205	غلامحسین نادری پزشک جراح بیمارستان شریعتی	206	فرهاد سرحدی جراح بیمارستان امام زمان
207	عبدالمهدی شادور کادر درمان دزفول	208	منصور جاوید پورمتخصص بیهوشی بیمارستان دهلران
209	حامد پارسا معین جراح اهواز	210	محمد موسوی پزشک اطفال بیمارستان اصفهان
211	ایرج شیرالی پزشک عمومی کوه عبدالله	212	علی شاه محمدی پرستار بیمارستان اراک
213	افشین پاشا پرست کادر درمان تالش	214	بابک رشیدیان پزشک داخلی مرکز درمانی سنندج
215	صادق رئیسی رادیولوژی بیمارستان زاهدان	216	محمد جمعه رنجبر پزشک تربت جام
217	رهام مهدوی نیا داروساز در مشهد	218	مرتضی آبرین کادر درمان استان البرز
219	مهین خسروی تبار کادر پذیرش بیمارستان اندیمشک	220	نصرت میرزایی کادر درمان بیمارستان تبریز
221	فهیمة خادمی کمک پرستار بیمارستان کرمانشاه	222	احمد چنایی کادر درمان بیمارستان اهواز
223	احسان خواجه پرستار بیمارستان امام حسین	224	محمد تقی گل پرور پزشک جراح تهران
225	بابک سبحانی کادر درمان بیمارستان دنا شیراز	226	خانم حسنی آذر پرستار شریعتی تهران
227	طوبی میرزایی پرستار بیمارستان لاله	228	محمد علاییان پرستار بیمارستان حشمت سبزوار
229	مهدی سروستانی پزشک بیمارستان دشتستان	230	صفیه چوبچیان دندانپزشک بابل
231	مهران عبدالمهدی نامی پزشک عفونی تبریز	232	محبوب زینلی دندانپزشک لار
233	زهرا عبدالمهدی بهیار شهرستان گناوه	234	حسن علیمرادی پرستار بیمارستان گاندی
235	اکرم خشنودی فرپرستار 29 ساله بیمارستان امداد سبزوار	236	سعید عباسی تکنسین 27 ساله اتاق عمل بیمارستان دزفول

237	عبدالعلی خوارزمی پزشک اطفال بیمارستان مشهد	238	مصطفی قریشی پرستار اورژانس ملارد
239	علی اکبر آقابابایی پور پزشک اطفال بیمارستان کرج	240	علی قاسمی پرستار بیمارستان دزفول
241	حسین رضا عزیزی زاویه پزشک اهل خلخال	242	لیلا بهمن زاده پرستار بیمارستان بندر عباس
243	غلامرضا رستمی تنها دندانپزشک کرمانشاه	244	محمد رضا سمیعی متخصص آزمایشگاهی کرمانشاه
245	حشمت محمود جانلو متخصص بیهوشی بیمارستان بهشهر	246	علیمراد علیوند متخصص بیهوشی بیمارستان خرم آباد
247	صادق عباس زاده زیدی دندانپزشک ساری	248	مهدی فرزانه بهیار بیمارستان شهرآمل
249	فرهاد نجفی داروساز کرج	250	مسعود ارشادی متخصص قلب بیمارستان شیراز
251	امیر حسین اطاری پزشک اورژانس مشهد	252	حسن صمدانی تکنسین اطاق عمل ساری
253	علی فراهانی پرستار 25 ساله اورژانس تهران	254	بهنام مردانی بهیار بیمارستان عرفان تهران
255	محمد سالاری پزشک مرکز سلامت مشهد		

* ما متأسفانه موفق به شناخت نام آنها نشدیم

آمارهای غیر رسمی از حوزه درمان جمهوری اسلامی سرمایه

از تاریخ	فوت کادر درمان	درصد از متوفیان کرونایی
15 اسفند 98	6	6
20 اسفند 98	25	9
25 اسفند 98	43	6
29 اسفند 98	59	5
4 فروردین 99	69	4
9 فروردین 99	78	3
15 فروردین 99	96	3
20 فروردین 99	130	3
30 فروردین 99	133	3
7 اردیبهشت 99	142	2.5
17 اردیبهشت 99	152	2.4
31 اردیبهشت 99	161	2.2
17 خرداد 99	172	2.1
28 خرداد 99	185	2.1
8 تیر 99	193	1.8
17 تیر 99	201	1.8
27 تیر 99	222	1.6
6 مرداد 99	255	1.6

28 تیر: براساس آمار موجود 10 درصد (40 هزار نفر) از کادر درمانی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشور به کرونا مبتلا شده‌اند.

روحانی روز شنبه 28 تیر (18 ژوئیه) در نشست ستاد ملی مقابله با کرونا از ابتلای 25 میلیون نفر به کووید 19 تا کنون خبر داد. او در عین حال شمار قربانیان را 14 هزار نفر اعلام کرده است!! اگر نسبت مرگ و میر از مبتلایان را حتی 1 درصد بگیریم می‌بایست تا کنون 250 هزار نفر در ایران بر اثر ابتلا به کووید 19 فوت کرده باشند. این در حالی است که آمار بی‌المللی از 5 درصد مرگ و میر سخن می‌گوید.

31 تیر: سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی مازندران: تاکنون یک‌هزار نفر از کادر درمانی - بهداشتی و دیگر کارکنان خط مقدم مقابله با ویروس کرونا در زیر مجموعه این دانشگاه به بیماری کووید 19 مبتلا شده‌اند.

31 تیر: تاکنون هزار و 500 نفر از کادر درمانی استان آذربایجان شرقی به کرونا مبتلا شده‌اند که از این تعداد 10 درصد شامل پزشکان، 70 درصد شامل پرستاران و کادر بهداشت و مابقی شامل نیروهای پشتیبانی واحد بهداشت و درمان هستند.

1 مرداد: تاکنون 889 نفر از کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی در استان زنجان مبتلا به کرونا شده‌اند.

3 مرداد: در بیمارستانهای مازندران دست کم 2800 بیمار کرونایی بستری هستند. وضع در قائمشهر و آمل فاجعه‌بار است. ظرفیت بیمارستانهای ساری در حال تکمیل شدن است. 90 درصد تختهای بابل و 70 درصد تختهای چالوس و نوشهر پر شده و تختهای خالی نیز به سرعت پر خواهد شد. بیش از 1200 تن از کادر درمان مبتلا شده‌اند و 450 تن از آنان در مرخصی استعلاجی هستند.

5 مرداد: تا کنون 200 نفر از کادر درمان بیمارستان تجریش از پرستار، بهیار، کمک بهیار، پزشکان و هم‌چنین کادر اداری، حمل و نقل به کرونا مبتلا شده‌اند. همین روز معاون وزیر بهداشت دولت سرمایه‌ای اعلام کرد که کل کشور در وضعیت قرمز قرار دارد و تهران به منبع شیوع ویروس کرونا تبدیل شده است.

کارگران ضد سرمایه داری

اخبار اعتصابات و اعتراضات

- 1 - کارگران شهرداری بندر خمینی در اعتراض به تعویق طولانی مدت مزدهای معوقه دست از کار کشیدند.
- 2 - شمار کثیری از کارگران وزارت بهداشت در روز ششم مرداد، علیه سطح نازل دستمزد و عدم امنیت اشتغال، در مقابل مجلس سرمایه‌تجمع نموده و دست به اعتراض زدند.
- 3 - عده‌ای از رانندگان شرکت واحد در اعتراض به وضعیت هلاکت‌زای ضد بهداشتی شرایط کارشان از جمله فقدان ماسک دست به توقف اتوبوس‌ها زدند و خواستار حل فوری این مشکلات شدند.
- 4 - کارگران بیمارستانهای «تأمین اجتماعی» اصفهان و شیراز روز پنجم مرداد علیه سطح نازل مزدها اعتصاب کردند.
- 5 - کارگران بیمارستان «دکتر سپهر» تهران که مثل همه کارگران ایران ماهها است هیچ ریالی دریافت نکرده‌اند، با برگزاری یک اجتماع اعتراضی خواستار پرداخت فوری مزدهای معوقه خود گردیدند.
- 6 - معلولان بازنشسته شرکت دخانیات رشت علیه وضعیت بد معیشتی و مزد نازل خود دست به اعتراض زدند.
- 7- یک کارگر در چهارمحال اصفهان بر اثر اجتناب عامدانه و همه‌جا رایج صاحبان سرمایه، از تقبل هر نوع هزینه ایمنی محیط کار، گرفتار سانحه ریزش دیواره‌های معدن شد و جان خویش را از دست داد.

8. کارگران کارخانه "ماشین لنت تهران" واقع در شهرک صنعتی شرق در سمنان در اعتراض به عدم دریافت دستمزد از سال 97، عدم پرداخت سستی کار و عدم امضاء مدارک کارگران جهت بازنشسته شدن، در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند.
9. روز شنبه 28 تیر ماه کارگران کارخانه بوتان واقع در شهر صنعتی کاوه برای دومین بار در اعتراض به سطح پایین حقوق و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست از کار کشیده و در محوطه این واحد تولیدکننده وسایل برقی خانگی تجمع کردند.
10. تجمع اعتراضی تعدادی از کارگران نیروگاه دماوند در محوطه شرکت در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه دستمزد و عدم امنیت شغلی.
11. کارگران هپکو اراک از روز یکشنبه 29 تیر ماه تاکنون (4 مرداد) در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و عدم دریافت دو ماه دستمزد خود، در مقابل دفتر مدیریت کارخانه دست به تجمع زده اند.
12. جمعی از کارگران شرکت ریل صنعت کارران زاهدان روز دوشنبه 30 تیر ماه در اعتراض به عدم پرداخت کامل دستمزدهای خود دست به تجمع زدند. کارگران معترض می گویند مدیریت شرکت تاکنون بن ماه رمضان و سنوات سال 98 را به کارگران پرداخت نکرده است.
13. کارگران شرکت توزیع سیمان آلاداغ بجنورد روز دوشنبه 30 تیر ماه به همراه خانواده هایشان در اعتراض به عدم تامین وسائل پیشگیری از کرونا و بازی کارفرما با جان کارگران، دست به تجمع زدند.
14. روز دوشنبه 30 تیر ماه جمعی از کارگران شرکتی شهرداری بندرعباس در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه خود مقابل ساختمان شورای شهر استان هرمزگان دست به تجمع زدند.
15. صبح روز سه شنبه 31 تیر ماه جمعی از رانندگان خطوط سامانه یک و سامانه چهار در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود در چهار راه ولیعصر تجمع کردند.
16. کارگران کارخانه کنتورسازی ایران، از روز چهارشنبه اول مرداد ماه، در اعتراض پرداخت نشدن مطالبات عقب افتاده مطالبات این کارگران از سال 95 پرداخت نشده و پس از گذشت چندین ماه از وعده های مسئولان، هنوز بیمه ندارند این تجمعات کارگران تا روز سه شنبه 7 مردادماه هر روز ادامه داشته است.
17. شماری از کارگران فضای سبز شهرداری کوه عبدالله روز پنجشنبه 2 مرداد ماه، برای چندمین بار در عدم دریافت دستمزدهای چندین ماه خود دست به اعتراض زدند.
18. جمعی از کارگران شهرداری اسلام آباد غرب در استان کرمانشاه روز پنجشنبه 2 مرداد ماه نسبت به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه خود مقابل ساختمان این شهرداری تجمع کردند.
19. کارگران اخراج شده از شرکت دیار خودرو در مقابل اداره کار شهرستان گلیایگان تجمع اعتراضی برگزار کردند.
20. روز پنجشنبه 2 مرداد ماه جمعی از کارگران شهرداری لوداب از توابع شهرستان بویراحمدر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست به تجمع زدند.
21. پرستاران و کارکنان شاغل در بیمارستان خلیل شهرستان یاسوج در اعتراض به پرداخت نشدن 23 ماه دستمزدی خود در مقابل ساختمان استانداری کهگیلویه و بویر احمد تجمع اعتراضی برگزار کردند.
22. روز سه شنبه 7 مرداد ماه بار دیگر کارگران اخراجی کارخانه سیمان لوشان نسبت به عدم تحقق وعده بازگشت به کار شهرستان دست به تجمع زدند.

23. روزیکشنبه 5 مرداد برای باری دیگر، کارگران شهرداری ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان در اعتراض به پرداخت نشدن ماه ها دستمزدشان دست به تجمع زدند.
24. کارگران در بخش های پاکبانی و فضای سبز شهرداری یاسوج در اعتراض به عدم دریافت 9 ماه دستمزد خود تجمع کردند.
25. بازنشستگان شرکت واحد اتوبوسرانی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سالهای خدمت (فقط 50 درصد دستمزدشان پرداخت می شود)، مقابل ساختمان مرکزی شرکت واحد (خیابان هنگام) تجمع کرده اند.
26. جمعی از کارگران شهرداری سریش آباد، از توابع استان کردستان پنجمین روز از تجمع اعتراضی خود را به دلیل پرداخت نشدن حقوق ماهیانه و معوقات مزدی آنها در مقابل شورای این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.
27. روز سه شنبه 7 مرداد ماه جمعی از کارگران شهرداری کلاته رودبار در استان سمنان نسبت به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه خود در محوطه شهرداری دست به تجمع زدند.
28. کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه روز چهارشنبه 8 مرداد ماه برای چهل و پنجمین روز متوالی در راه دستیابی به مطالباتشان اقدام به برگزاری تجمع کردند.
29. امروز 8 مرداد همه کارگران میدان نفتی آزادگان شمالی دست از کار کشیده اند. علت اعتصاب پیشنهاد دستمزد پایین به از جانب شرکت ایران افق می باشد.